

## زناني که مردانه کار می‌کنند



جلوي يك ساختمان نسبتا نوساز مي‌ايستم. چراغ زيرين ساختمان 3 طبقه روشن است. انگشت سبابه‌ام را روي تك‌زنگ جدا از ساير زنگ‌ها مي‌گذارم، پس از يك معرفي کوتاه بسرعت در باز مي‌شود. تنها يك گزينه پيش رويم وجود دارد، حدود 10 پله بايد پايين بروم. بوي تند چسب حتي فضاي راه‌پله را نيز به تسخير درآورده است.

جام جم آنلاين: جلوي يك ساختمان نسبتا نوساز مي‌ايستم. چراغ زيرين ساختمان 3 طبقه روشن است. انگشت سبابه‌ام را روي تك‌زنگ جدا از ساير زنگ‌ها مي‌گذارم، پس از يك معرفي کوتاه بسرعت در باز مي‌شود. تنها يك گزينه پيش رويم وجود دارد، حدود 10 پله بايد پايين بروم. بوي تند چسب حتي فضاي راه‌پله را نيز به تسخير درآورده است.

هر يك پله‌اي را که پايين مي‌گذارم، همزمان صدا نيز بيشتري مي‌شود. صدای کارگاه و همه‌همه در هم آميخته است. پشت در چوبي که مي‌رسم مطمئن مي‌شوم، آن سوي صدای يك جمع زياد از زنان است؛ حداقل 20 نفر.

مسوول کارگاه که آقارضا نام دارد به استقبال مي‌آيد. کارگاه تقريبا يك سالن 50 تا 70 متري است که با ردیف‌هاي منظمي از ميز مزین شده است، تقريبا بيش از 90 درصد کارکنان را زنان تشکيل مي‌دهد. همان‌طور که آقارضا سلام و عليک مي‌کند، نگاهم به هر چهار جهت مي‌چرخد. اولين چيزي که توجهم را به خود جلب مي‌کند تعداد کم مردان است، شمارشان به تعداد انگشتان يك دست هم نمي‌رسد.

آقارضا همچنان توضيح مي‌دهد، اما مغزم بيشتري از اين‌که فرمان گوش دادن صادر کند، فرمان ديدن مي‌دهد. مدام چشم‌هايم به اين سو و آن سو مي‌چرخد تا ترکیب حرکت چسب و چرم و گاهی چکش و... را در ميان دستان زنان دنبال کند.

### اشتغال؛ حق شهروندی

براساس قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران، هر شهروندی حق اشتغال و انتخاب شغل دارد. در اين بين موضوع اشتغال زنان، از زواياي مختلف اهميت دارد. از جمله برخلاف باورهايي که در افکار عمومي جريان دارد، نرخ طلاق در ميان زنان شاغل بسيار کمتر از زنان غيرشاغل است؛ اما آمار و ارقام در اين باره چه مي‌گويد؟

متأسفانه باوجود بالا رفتن سطح تحصيلات زنان در دهه گذشته، نرخ مشارکت زنان در کشور ما بسيار پايين است. اين امر علاوه بر تبعات اقتصادي براي خانواده‌ها، تبعات اجتماعي زيادي نيز در پي دارد. در اين ارتباط هر چند نرخ‌هاي دقيقي منتشر نمي‌شود، اما گزارش‌هاي موجود نرخ اشتغال کمتر از 15 درصد را نشان مي‌دهد.

و اما پرسش مهم‌تر اين‌که؛ در همين شرايط زنان کارگر بويژه شاغلان در کارگاه‌هاي کوچک چه شرايطي دارند. هنگام پاسخگويي به اين پرسش بايد به اين نکته توجه داشته باشيم که براي بسياري از اين زنان، اشتغال يك #&171;انتخاب؛راquo; نيست، بلکه #&171;الزام؛راquo; است؛ چون بنا به دلايل متعدد اين زنان يا با عنوان سرپرست خانوار هستند يا اين‌که به عنوان مکمل در تامين هزينه‌هاي خانواده نقش ايفا مي‌کنند.

شرحي که در بالا آمد، تصويري است از يك کارگاه پستايي‌دوزي در حومه تهران. آمارها نشان مي‌دهد حدود 2500 کارگاه پستايي‌دوزي فقط در تهران و شهرک‌هاي اقماري آن مانند رباط‌کریم، شهریار، اسلامشهر و... پراکنده هستند. در اين شرايط، زنان شاغل در اين کارگاه‌ها از حداقل‌هاي استاندارد کار برخوردار هستند.

### زنان محروم در صنايع بومي

صنعت فرش و صنعت کفش از جمله صنايع بومي و قديمي ايران محسوب مي‌شوند. اين دو صنعت در چند ويژگي مشترک هستند. از جمله اين ويژگي‌هاي مشترک مي‌توان به ساختارهاي خانوادگي حاکم بر اين صنايع اشاره کرد؛ همچنين به‌رغم اين‌که در مجموع گردش مالي حاکم بر اين دو صنعت قابل توجه و تعيين‌کننده است، اما ساختار غالب کارگاه‌هاي‌شان، کارگاه‌هاي کوچک است و همين امر از توان فعالان اين صنعت براي واکنش به تحولات محيطي مي‌کاهد. نکته مهم ديگر در اين دو صنعت مشارکت زنان است. صنعت فرش که از ديرباز عرصه‌اي پيوندخورده با خانواده، فرهنگ و هنر ايراني بوده است و به همين دليل زنان همواره در کنار وظايف خانگي و خانوادگي‌شان با دار قالي نيز همراه بوده‌اند و به اين ترتيب هم به اقتصاد خانواده کمک مي‌کرده‌اند، هم در چرخه توليد و ايجاد ارزش‌افزوده مشارکت داشته‌اند؛ اما صنعت کفش به دليل ساختار صنعت آن زنان کم‌تري در آن اشتغال داشته‌اند و اين رخدادي

است که در سال‌های اخیر رو به تغییر گذاشته است.

ورود زنان کارگر به ساختار مردانه صنعت کفش را از چند منظر متفاوت باید مورد توجه قرار داد. نخست این‌که بیشتر زنانی که در کارگاه‌های کفاشی و بویژه در کارگاه‌های پستایی‌دوزی اشتغال دارند از خانواده‌های محرومی هستند که ناگزیر از اشتغال و تامین هزینه‌های زندگی خود یا خانوارشان هستند. دوم این‌که مشاهده‌های میدانی نشان می‌دهد این زنان از حداقل‌های استاندارد کار در فضای کاری خود برخوردار هستند.

نکته: فاطمه، کارگر چرخکار: من بیمه نیستم اگر یک روز مریض بشوم، آن روز حقوق ندارم اما زندگی‌ام بدون این حقوق نمی‌چرخد بچم 10 ساله است و این تنها راه گذران زندگی ماست

مریم، یکی از دختران شاغل در همین کارگاه‌هاست. او 25 ساله است و فوق‌دیپلم الکترونیک دارد. خودش می‌گوید: در زندگی‌ام آرزوهای زیادی داشتم. وقتی به او می‌گویم هنوز خیلی زمان برای رشد و پیشرفت دارد، نیم‌نگاهی به شعر نوشته‌شده در بالای سرش می‌اندازد که با خط خوش خودش نوشته است: «به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد»؛ برای این‌که صمیمی بشود و حرفش را بگوید، نیاز است تا دقایقی بیشتر با او وقت بگذاری. باید درست در عمق چشمانش نگاه کنی و اگر لازم باشد دست‌هایش را گرم بفشاری تا بفهمد که تو نیز از جنس او هستی و هیچ فاصله‌ای نیست.

بعد از چند دقیقه شروع به صحبت می‌کند و می‌گوید: پدرم معتاد است، هزینه‌های خانوار را من تامین می‌کنم. وقتی از او می‌پرسم چقدر حقوق می‌گیری، پاسخی که می‌دهد مرا بر جایم می‌خکوب می‌کند: بین 150 تا 180 هزار تومان متغیر است.

مادران کارگر؛ مشکل مضاعف

چسب صنعتی ماده‌ای است که کار کردن با آن شرایط خاصی دارد و به‌صورت بلندمدت قرار گرفتن در فضایی که بوی چسب در آن پخش است، می‌تواند حتی برای بزرگسالان نیز مشکل ایجاد کند.

ملیحه مادر است و پسری 5 ساله دارد. پسر او روزها با خودش به سر کار می‌آید. خودش از این‌که صاحب‌کارش اجازه می‌دهد پسرش را با خودش همراه بیاورد بسیار سپاسگزار است. او می‌گوید: اگر نتوانم پسر را سر کار بیاورم، دیگر خودم هم نمی‌توانم بیاورم چون حقوق من به مهدکودک نمی‌رسد و کسی هم نیست که از فرزندم مراقبت کند.

نام پسرش علی است، کنارش می‌نشینم. در چشمانش تمی از ته دریا دارد، درست همان‌قدر بی‌کرامان و سبز - آبی. روی پاهایم می‌نشیند. ظرف بزرگ چسب را به او نشان می‌دهم، بوی تند آن مشامم را آزار می‌دهد، از او می‌پرسم: این چیست؟ می‌گوید: چسب است. به او می‌گویم بوی آن اذیت نمی‌کند؟ مرا نگاهی می‌کند ولی پاسخی نمی‌دهد، مادرش جای او می‌گوید: دیگر به بوی آن عادت کرده است.

بیمه؛ شاه‌کلید حل مشکل

بیمه زنان خانه‌دار از جمله طرح‌هایی است که بارها راجع به آن صحبت شده است و در نهایت نیز به سرانجام نرسیده است. از سوی دیگر، موضوع اشتغال زنان از جمله الزام‌هایی است که نمی‌توان چشم روی آن بست.

هم‌اکنون تقریباً می‌توان گفت، هیچ‌کدام از کارگران شاغل در کارگاه‌های کوچک کفاشی و پستایی‌دوزی حومه تهران بیمه نیستند. رضا به‌عنوان یک کارفرمای منصف، خودش این موضوع را تایید می‌کند و می‌گوید: ما توانایی پرداخت حق بیمه را نداریم. در کارگاه خود من در ماه‌های معمولی حدود 20 نفر کار می‌کنند و این تعداد در شب عید یا شهرپور که خرید کفش مدارس زیاد می‌شود تا 2 برابر هم می‌رسد، ولی واقعا نه من و نه هیچ تولیدکننده‌ای توانایی پرداخت حق بیمه را ندارد.

او همچنین می‌گوید: ما در این کارگاه‌ها تنها با مسائل اقتصادی روبه‌رو نیستیم و با مسائل اجتماعی زیادی نیز دست و پنجه نرم می‌کنیم. شما با هرکدام از این زنان صحبت کنید، حاضر نیستند شغل‌شان را از دست بدهند، خودشان هم می‌دانند ما توانایی پرداخت حق بیمه را نداریم. مامور بیمه هم این را می‌داند. مامور بیمه تا پله‌ها بیشتر نمی‌آید. خودشان می‌دانند اگر بخواهند به ما برای پرداخت حق بیمه فشار بیاورند، کارگاه تعطیل می‌شود و همه این زن‌ها بیکار می‌شوند. این زن‌ها حاضرند با حقوق کمتر و بدون بیمه کار کنند، اما بیکار نشوند.

این نکته‌ای است که خود زنان نیز به آن اعتراف دارند. فاطمه زنی 35 ساله است. محلی که او در کارگاه نشسته است به نسبت از سایر کارگران جداست. او چرخکار است و به نسبت حقوق بیشتری دریافت می‌کند؛ حدود 300 هزار تومان در ماه. جایی که می‌نشیند

با دیوار فاصله خیلی کمی دارد. خودش می‌گوید گاهی اوقات 2 ساعت می‌گذرد و در این فضای تنگ تکان هم نمی‌خورد. بیشتر چرخکارها مرد هستند، همان 3، 4 نفری که در ابتدای گزارش اشاره کردم و فقط فاطمه توانسته است به عنوان چرخکار کار کرده و حقوق بیشتری دریافت کند. او می‌گوید من هم بیمه نیستم، اگر یک روز مریض بشوم، آن روز حقوق ندارم، اما زندگی‌ام بدون این حقوق نمی‌چرخد. بچ‌ام 10 ساله است و این تنها راه گذران زندگی ماست.

بیمه؛ حمایت از تولید، کارگر و کارفرما

در دنیای مدرن، بیمه مهم‌ترین ابزار توسعه رفاه محسوب می‌شود. اگر هر فردی حق شغل دارد، همین فرد حق بیمه نیز دارد. در این شرایط باید بپذیریم برخلاف باور افکار عمومی که تولیدکنندگان را افرادی سرمایه‌دار می‌دانند، تولید در شرایط کنونی برای بسیاری از تولیدکنندگان تنها یک علاقه است و هزینه‌های مختلف توان آنها را به حداقل رسانده است. در این شرایط دولت می‌تواند معادله کنونی را به معادله سه‌جانبه برد - برد - برد تبدیل کند.

در شرایط کنونی تداوم تولید به عنوان یکی از الزامات سیاست‌های کلان کشور برای دولت اهمیت زیادی دارد. از آن سو دولت نمی‌تواند و نباید به عنوان متولی اصلی تولید عمل کند، بنابراین می‌تواند با حمایت از تولید به پیشبرد آن کمک کند. از آن سو کارفرمایان نیز هم‌اکنون توانایی تأمین بسیاری از هزینه‌ها را ندارند و به کمک‌های دولت برای تداوم فعالیت‌هایشان نیاز دارند و در این بین حمایت از کارگران زن، یکی از الزاماتی است که نباید آن‌را نادیده انگاشت، چون تحقق این امر مهم‌ترین راهکاری است که می‌تواند حلقه بسته کنونی را به نفع زنان کارگر شاغل در واحدهای کوچک بشکند. بدیهی است دولت در مراحل مختلف آمادگی پرداخت حق بیمه برای یکسری از کارگران - از جمله کارگرانی که از سوی وزارت کار به بنگاه‌ها معرفی می‌شوند - را اعلام کرده است، اما در بسیاری از مقاطع اجرای آن با مشکل روبه‌رو شده است.

هم‌اکنون نیز کارگران شاغل در واحدهای کوچک نیازمند این توجه هستند. این امر علاوه بر توسعه رفاه در بین اقشار مختلف کارگر، در نهایت حمایت از تولید ملی نیز محسوب می‌شود و فراتر از دستاوردهای اقتصادی، به عنوان عاملی بازدارنده در حوزه آسیب‌های اجتماعی نیز عمل می‌کند.

مریم چهاربالش / جام‌جم